

# زنان بی از جامعه فارسی میهن آن جامعه آزاد نیست

تغییر و تحولی تو که تاکنون در ادارات و مؤسسات دولتی تحت عنوان "انقلاب اداری" صورت گرفته همچنان نیز ادامه دارد. اینجاب مینند نه یک ارزیابی اجمالی از اهداف این "انقلاب اداری" می آید. برپایه آنکه بخش اعظم سائقان رده اینگونه سیاستها به نوعی برزندگی آنان تاثیر میگذارد زنان رهنم تشدید میدهند.

نظامی به عملکرد کمیته های پاناسازی در ادارات و مؤسسات دولتی نشان میدهند که "پاناسازی" و تصفیه ادارات برخلاف ادعای مسئولین امور تنها به اخراج ساراکیها و عناصر وابسته به رژیم سابق محدود نبوده بلکه بخشی از تصفیه شامل زنان، عناصر مترقی و صادقی گشته است. نه در این سابقه مبارزه علیه رژیم مفسور مملو بوده اند، در این میان سهم زنان چشمگیر تر بوده است. موج بازنشسته کردن، بازخرید و اخراج بی رویه زنان روز بروز تفراتی زنان ناراضد را نسبت به از دست دادن تازو پایمال شدن شوره سالها تریه رساله نارخورد افزایش میدهد. یکی از طرحها تهیه هم انشورن موجب تشدید این تفراتی گشته است. پرسشها  
ستاره در بعضی ادارات و مؤسسات پخته شده و در مطبوعات نیز "عاجینظران" مطالبی در مورد آن بیان شده است. این طنز حاد است که از این است که ارزش و شرفش در نزد پادشاهی است. استعمال در آن بی ادبانه است. "دیگران" را طلبانه شماره گیری کنند. بنابه اینها تفرات در پیریل سازمان امور اداری را مستخدم این طرح مترقی تحت مطالعه بررسی است و غیره هم که در ریه تهیه لایحه آن در این زمینه بشیریم به هیچ وجه حقوقی در این میان ضایع نخواهد شد. اما باید بیخی است با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه برخلاف ادعای آقایان دبیران، آئینها در این میان حقوق ضایع میگردد. بی تردید زن است. غیر این نیست که برای اولین بار از تفرات حقوق زنان، مردان را خانه نشین کرده بلکه اعتراف اساسا "باینگونه سیاستها" نتیجه تفرات و مردود است نه به همین روزه حل مشکل بسیار ضروری نماند نیست. مهربان اسلامی علاوه بر مبارزه به این تصفیه ها و اخراج آنها به اعمال سیاستهای از قبیل لغو مخصی زایمان در برخی مؤسسات (از جمله اداره سند و از راه دور) افزایش ساعات کار ادارات، دوسره شدن مدارس، بسته شدن تدریس و لغو سهم دولتها وابسته به ادارات و مؤسسات دولتی بر این اساس مانع در ادامه اشتغال زنان می آید. در نتیجه است؟ به این ترتیب با اعمال اینگونه سیاستهای ریانا ارائه صدرلین آن دسته از زنانی رانده موثر به اخراج و تصفیه ریابا خرید آنان شده اند عملا "وادارند زین" را طلبانه "دارخانه بزرگ" از خانه میمانند. به تمام این مشکلات باید تشیقات و فشارها روحنی که بر زنان در محیط نارسان وارد میشود افزود. این امر و مضمون و مطبوعات دولتی در ادارات به توسط گروههای فشار (برخی از آنها نهاد اسلامی) برپایه علیه بخانها صورت میگیرد شرایط را برای ادامه نارنا مناسب و دشوارتر مینماید. جالب توجه آنکه تمام این سیاستها و طرحهای تصفیه گرایانه در این کشور به توسط کسانی اعمال میگردد که معتقدند همین مقام زن بدان حد است که حتی "زیربنای جامعه اسلامی" نیز

میباشد

بهر حال این مسئله کاملاً مشخص گردیده که دولت جمهوری اسلامی که با مشکل گرانس، مسکن، بیکاری و تورم کارمند روبرو گردیده از حل آنها ناتوان بوده برای حل تمام این مشکلات راه آسان و ناامید "کوتاه تر" یعنی اخراج کارمندان را انتخاب کرده است. در حالیکه حل مسئله بوروکراسی و بلااستفاده بودن ادارات باید با ایجاد کارموند همراه باشد نیروی بیکار در ادارات را باید در تولید و سازندگی جامعه بکار گرفت نه

آنان که شمار مبارزه علیه امپریالیسم را امید دهند باید بدانند که مبارزه علیه امپریالیسم نیازمند شرکت  
 مال اکثریت افراد جامعه و ارتقاء آگاهی آنان نسبت به این مبارزه می باشد. زنان ماباش شرکت فعال و یکپارچه  
 و در اعتصابات و تظاهرات ها و سایر اشکال مبارزاتی، در اداره و کارخانه، در دانشگاه و مدرسه و با اعتراف  
 آنان نقشی بس تعیین کننده در سقوط رژیم گذشته داشتند. تردید در نیست که قطع سلطه بیژانه در  
 به تولید، آموزش و غیره نیز نیاز بسیار به شرکت فعال زنان دارد. چگونه بود که برای سقوط رژیم دیکتاتوری  
 به نیروی فعال زنان و فعالیت های اجتماعی - سیاسی آنان نیاز بود، اما برای مبارزه علیه امپریالیسم باید  
 نیروی فعال را از عرصه فعالیت خرید و فروش طرد و اخراج نمود؟ آیا این به مفهوم محروم کردن مبارزه ضد امپریالیستی  
 نیروی نسبی ... از جمعیت نیست؟ آیا این به معنی عدم دیدن اهمیت نقش مبارزه ضد امپریالیستی  
 در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نقش گفتار خود نیست؟ آیا در خانه نشستن و شرکت پراکنده  
 و بیگانه در راهپیمایی ها، این است آن مبارزه ضد امپریالیستی مورد نظر مستعولین؟ اگر این مبارزه ضد  
 ریالیستی باید در عرصه های متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ادامه یابد، پیرا باید زنان را از این عرصه و  
 محروم کنیم؟ کدام انقلابی را در جهان سراغ داریم که بدون شرکت فعال زنان به پیروزی رسیده است؟  
 زنده داشتن زنان از فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی، این عرصه اصلی مبارزه، به مفهوم ایجاد سدی در برابر  
 راه آگاهی و خلاقیت آنان است. آرزوی که بویژه در تربیت فرزندان، در پرورش انسانهای با ارزش مورد نیاز  
 است. اگر از زنان انتظار داریم که فرزندان شیفته فعال جامعه تربیت کنند، این وظیفه را نمیتوان در انزوای قطع  
 باط با جامعه، بدون داشتن شناخت عینی از رابطه آنها و مشکلات اجتماعی انجام داد. ضد انقلاب با ابتداء  
 آگاهی افراد میتواند پادرفته و مبارزات ضد امپریالیستی را به انحراف بنشاند، از این رو چه اندر ن زنان از فعالیتهای  
 اجتماعی در عین عرصه مبارزه ضد امپریالیستی عماد "زمینه را برای تهلیفات مسموم نیروی ضد انقلابی نظیر بختیار  
 عد میزند. بکارگرفتن خلاقیت زن در حل مسائل مرتبط به پخت ریز و نظارت خانه بجای مشغولت اجتماعی ریا  
 در جامعه خیانتی است تا بخشودنی اعمال این سیاستمدارانی است بر منحنه تاریخ میهنی ما.

پس ده زنان آگاه است که با:

- ۱- روشن کردن اهداف آینده سیاستها غیر اصولی و مردود.
  - ۲- جلب پشتیبانی زنان و مردان همکار خویش
  - ۳- آناه بردن زنان نسبت به حقوق خود
  - ۴- شرکت فعال در شوراهای محل کار خود.
- بطور مشکل و یکپارچه برای کسب حقوق اساسی خود، شناختن حق کار برای زنان، ابقا و گسترش مهد کودک ها  
 شبیر ساعات نارمدارس) و کاهش ساعات کار اوقات مبارزه (حرکت) کنند. فراموش می کنیم که جلب پشتیبانی  
 آنان مرد نیز نقش بسیار مهمی ایفا می کنند چرا که سلب حقوق اساسی نسبی از جمعیت بی تردید میتواند سلب حقوق  
 دیگر را نیز بهمراه داشته باشد.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و میان د اخلیش.

پیوسته باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران و مبارزات حق طلبانه زنان

"اتحاد ملی زنان"

۵۱/۱۱

کلیتر: زنان آزاد خیره بدن محرابی